

م . س . ایوانوف  
پروفسور دانشگاه مسکو

## نکاتی چند درباره

### مراحل اساسی تاریخ ایران در سده های کهن و وسطی \*

این گزارش بمنزله کوششی است برای تقسیم تاریخ ایران و دولت آن به ادوار معین در عهد کهن و قرون وسطی .

بعقیده ما عامل عمده ای که ادوار اساسی تاریخ تمام نوع بشر و ملت ها و کشور های جداگانه را تعیین می نماید ، عبارتست از تبدیل پیگیر نظام اجتماعی - اقتصادی به تبعیت از بسط و ترقی نیرو های تولیدی مطابق این اصل ما اعصار اساسی زیرین را در تاریخ ایران در عهد کهن و قرون وسطی جدا می کنیم :

۱ - قدیمی ترین دوره ، که سازمان اجتماعی ابتدائی از خصوصیات آن بوده است (از آغاز تمدن بشری در سرزمین ایران تا سده های ۸ - ۷ قبل از میلاد)

۲ - دولت طبقاتی ، که مناسبات برده داری در آن نقش مهم را داشته است (از سده ۶ قبل از میلاد تا سده ۳ بعد از میلاد)

۳ - تجزیه مناسبات برده داری و بوجود آمدن و ترکیب یافتن مناسبات بدوی فئودالی (سده های ۴ - ۷ بعد از میلاد)

۴ - عصر حکمفرمائی سازمان فئودالی (سده های ۷ - ۱۸) - در حدود این عصر میتوان ادوار زیر را جداگانه ذکر نمود :

الف - دوره فئودالیسم بسط و ترقی یافته (سده های ۱۰ - ۱۳)

ب - دوران فئودالی خرد و مجزا از یکدیگر (سده های ۱۴ - ۱۵)

پ - دوره دولت مرکزی فئودالی (سده ۱۶ - نیمه اول سده ۱۷)

ت - دوره انحطاط جامعه فئودالی (نیمه دوم سده ۱۷ - سده ۱۸)

\* بصورت سخنرانی در کنگره جهانی ایران شناسان ایراد گردیده است .

اینک به وصف مختصر خصوصیات اساسی ادوار عمده بسط و ترقی جامعه و دولت ایران در اعصار مورد نظر پردازیم .  
ایران کشور قدیمی ترین تمدن و فرهنگ بشر است ، که تمدن مذکور در طول هزاران سال قبل از میلاد و عصر ما در سرزمین این کشور توسعه و ترقی مییافته است . از قدیمی ترین آثار انسان در سرزمین ایران اقامتگاه دوران اواخر پالئولیت سفلی در ناحیه بیستون است . در ناحیه غار کمر بند نزدیک به شهر در ساحل جنوبی دریای خزر همچنین اقامتگاه های شکارچیان مزولیتیک و نئولیتیک کشف شده که با تیروکمان مسلح بوده اند و مربوط است به هزاره های ۸ - ۱۱ قبل از زمان ما . حتی در هزاره های ۵ - ۴ قبل از زمان ما در ایران ، بخصوص در قسمت های جنوبی و غربی آن ، زراعت با استفاده از آب رود ها و انهار کوهستانی شروع به توسعه و ترقی کرده است . در اواخر هزاره ۲ و اوایل هزاره اول قبل از میلاد پیشه‌وری از کشاورزی جدا شده است .

حفریات ژ . دو مرگان ، ر . گیرشمان و دیگران در خوزستان امکان میدهند چنین استنتاج بشود که در آخر هزاره ۴ - آغاز هزاره سوم قبل از میلاد در جلگه رود کارون تمدن طبقاتی و قدیمی ترین تشکیلات دولتی در ایران بنام ایلام بوجود آمده که مرکز آن شهر شوش بوده است . در ایلام ، قبل از سایر قسمت های ایران ، مناسبات برده‌داری شروع به ترکیب یافتن نمود . مناسبات مذکور با مناسبات خانوادگی و اجتماعی ابتدائی ، که در قسمت اعظم سرزمین ایران حکمفرما بود ، توأم میگردد .

در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد قبایل هند و اروپائی گروه ایرانی به ایران نفوذ مییابند که بعقیده برخی دانشمندان ( ا . می . پیر ، ای . م . دیا - کنوف و دیگران ) از آسیای مرکزی از طریق آسیای میانه آمده اند ، ولی بعقیده دانشمندان دیگر ( ر . گیرشمان ، ا . آ . گرانوفسکی و دیگران ) از طریق ماوراء قفقاز راه یافته اند .

در سده هفتم قبل از میلاد در شمال غربی ایران دولت ماد تشکیل یافت ، که پایتخت آن شهر اکباتان بود و در ابتدا بمنزله کنفدراسیون طوایف مادی ایرانی زبان بود . در اواخر سده ۷ قبل از میلاد ماد ها دولت بزرگ آشوری ها را نابود و ممالک اورارتو و ماننو ، و همچنین قسمت اعظم فلات ایران و از آنجمله نواحی جنوب غربی ایران - ایالت پرسیدارا که طوایف ایرانی در آنجا سکنی داشتند ، مطیع خود کردند .

خاصیت سازمان اجتماعی مملکت ماد ها عبارت است از تجزیه مناسبات اجتماعی و توسعه برده‌داری ، در حالیکه این جریان در نواحی اساسی کشاورزی ، در شمال غربی و جنوب غربی کشور - در ماد و پرسیدا ، با سرعت بیشتر پیشرفت میکرد . در نواحی شرقی ایران ، که مال‌داری کوچ‌نشینی بطرز وسیع معمول بود ، مناسبات اجتماعی ابتدائی و رسوم پدرشاهی بسیار قوی و پایدار بود .

در اواسط سده ۶ قبل از میلاد در نتیجه شورش موفقیت آمیز قبایل ایرانی تحت ریاست هخامنشیان علیه مملکت ماد دولت بزرگ هخامنشیان تشکیل یافت ، که دو هزار و پانصدمین سال تاسیس آن در ایران برگزار میشود .

کورش پایه‌گذار دولت هخامنشیان و کمبوجیه فرزند و جانشین وی لیدی و شهرهای یونانی آسیای صغیر و تمام آسیای صغیر ، بابل ، سوریه و فلسطین ، مصر و قسمتی از آسیای میانه را تصرف کردند . داریوش - جانشین کمبوجیه هم جلگه رود سند را نیز مطیع خود نمود .

دولت هخامنشیان در آنزمان بزرگترین دولت جهان بود . ایران - آتروپاتان - ارمنستان - قسمت جنوبی آسیای میانه - جلگه رود سند - تمام آسیای صغیر - بابل - سوریه - فلسطین - عربستان - مصر - سیرنایک - جزایر دریای اژه - تراکیه - قسمت شمال شرقی شبه جزیره بالکان و مقدونیه جزو آن دولت و تابع آن بود .

در زمان خود ، دولت هخامنشیان دولت پیشروی بود . در سده های ۲ - ۹ قبل از میلاد مناسبات برده‌داری در ماد و پرسیدا و سایر نواحی اساسی کشاورزی ایران گسترش یافت . شاهنشاه هخامنشی و رجال بزرگ درباری آنان دارای واحد های بزرگ اقتصادی بر مبنای برده‌داری بودند ، که در آنها بردگان (کاردا یا کورتاش) کار میکردند .

همردیف با این مناسبات در نواحی مرکزی و شرقی ، مخصوصا در نواحی مال‌داری کوچ‌نشینی ، بقایای مناسبات اجتماعی ابتدائی کاملاً محفوظ بود . هخامنشیان قصد داشتند تمرکز قدرت را در مملکت خود تامین نمایند و بدین منظور اقدام به ساختن راههای زیاد میکردند . مملکت به بیست ایالت بزرگ قسمت میشد ، که ساتراپ‌ها ، که فرمانفرمایان مطلق و نامحدود سکنه آن ایالات بودند ، آنها را اداره میکردند . لیکن قوای نظامی تابع سردارانی بودند که استقلال داشتند و تحت امر ساتراپ‌ها نبودند . بقایای یادگارهای باعظمت معماری درباری و کاخ‌سازی در تخت جمشید و بازارگاد ، و همچنین مصنوعات پیشه‌های هنری و بدیع که تاکنون حفظ شده ، گواه سطح عالی تمدن و فرهنگ آنزمان است که از خصوصیات مملکت هخامنشیان بوده است .

در نتیجه کشور گشائی اسکندر مقدونی در سال ۳۳۰ قبل از میلاد عمر دولت هخامنشیان پایان یافت و بعد از آن از سال ۳۱۲ قبل از میلاد ایران جزو مملکت هلنی سلوکید ها شد .

لیکن از سال ۲۴۷ قبل از میلاد ، در نتیجه نهضت ضد یونانی در شمال شرقی کشور ، دولت یارت‌ها تحت ریاست دودمان اشکانیان بوجود آمد ، که پس از آن بتدریج تا اواسط سده دوم پیش از میلاد حکومت خود را بر تمام سرزمین ایران کنونی و جلگه رود های دجله و فرات گسترش

داد. دولت پارت هاتا و ایل سده سوم بعد از میلاد پایدار بود. خاصیت سازمان اجتماعی - اقتصادی مملکت پارت ها عبارت بود از وجود مناسبات برده داری، وجود جوامع دبه نشین، و همچنین سازمان خانوادگی - پدر شاهی در میان کوچ نشینان. در مملکت پارت ها تجارت، پیشه ها و نیز شهر زیاد توسعه و ترقی یافتند مانند: نسا، انطاکیه، مرغیان، تیسفون (پایتخت اشکانیان)، شوش، اکباتان و غیره. هنر ها، معماری و پیکر سازی به سطح عالی ترقی رسید. نقش زردشتی گری بعنوان مذهب رسمی مملکت اهمیت و قدرت مییابد. زبان پارسی: پارسی میانه - پهلوی، زبان رسمی دولتی شده است.

جنگهای فرسوده کننده چندین قرنی با امپراتوری روم، که از اواسط سده اول قبل از میلاد اشکانیان برای استیلا یافتن بر راههای تجارتی بین مشرق و مغرب بآن مبادرت کرده بودند، منجر به تضعیف دولت پارت ها شد. همزمان با آن، جریان تجزیه مناسبات برده داری واقع میشد و این امر بشکل انتقال تدریجی بردگان بزمینهای مزروعی و به مالکیت دهقانان آزاد عضو جامعه دبه عملی میگردد.

در سال ۲۲۴ بعد از میلاد اردشیر از خاندان شاهان پرسیدا (فارس)، که اشراف ایران و روحانیون متنفذ زردشتی از او پشتیبانی میکردند، علیه پادشاه پارت قیام نمود. او تقریباً تمام سرزمین های جزو مملکت پارت را مطیع خود نمود و دولت ساسانیان را تاسیس کرد، که تا اواسط سده ۷ باقی بود. جریان تجزیه و زوال مناسبات برده داری در این دوره با سرعت و شدت بیشتر پیشرفت میکند و مناسبات بدوی فئودالی ترکیب مییابد. اشراف بزرگ نظامی - اداری و مقامات بالای جوامع مبدل به اشراف فئودال میگرددند و افراد ساده جوامع به تابعیت آنان در میآیند. جریان انتقال بردگان هم به زمینهای زراعتی شدت یافته است. روحانیان زردشتی دارای نفوذ فوق العاده میشوند. پیشه های مختلف و تجارت در مملکت ساسانیان به سطح عالی ترقی رسیده، تمدن و فرهنگ غنی و علوم و ادبیات و هنر ها هم توسعه و ترقی مییافت. در اواخر سده ۵ - اوایل سده ۶ نهضت ملی نیرومند مزدکیان واقع شد. پس از آنکه خسرو اول انوشیروان اقدام به اصلاحات نظامی و مالیاتی دیگر نمود، که منظور از آنها تحکیم قدرت مرکزی شاهی بود، مملکت ساسانیان بحد اعلائی رونق و شکفتگی رسید. ساسانیان سوریه، فلسطین، عربستان جنوبی (یمن)، و همچنین مدتی مصر و ماوراء قفقاز را مطیع خود کردند. در جنگ هائی، که با بیزانس (روم شرقی) ادامه داشت قوای ساسانیان تا تنگه بوسفور رسیدند. لیکن جنگ های ویران کننده با بیزانس در سده ۶ - نیمه اول سده ۷ و مالیاتهای فوق العاده برای احتیاجات جنگی، و شدت یافتن تمایلات تجزیه طلبانه فئودالی، و مبارزه برای قدرت بین گروههای اشراف طبقه حاکمه، دولت ساسانیان را از لحاظ اقتصادی و

سیاسی ضعیف کرد و شرایط سقوط آنرا فراهم ساخت .

در اواسط سده ۷ دولت ساسانیان در زیر ضربات کشورگشایی اعراب سقوط کرد . ایران استقلال خود را از دست داد و جزو خلافت امویان و بعد هم عباسیان شد . سلطه بیگانگان و افزایش بهره‌کشی فئودال ها در سده های ۷ - ۱۰ میلادی کرارا موجب شورش های ملت علیه خلافت میشد . تقریباً تمام آن شورش ها در ایران و کشور های مجاور تحت لوای مذهبی خوارج و شیعه ، یا در زیر پرچم خرم‌دینان جریان مییافتند (شورش ابومسلم ، «علم های سرخ» در گرگان ، خرم دینان تحت ریاست بابک و هکذا) . نهضت های ملی و تشدید جریان فئودالی شدن و افزایش نفوذ فئودال های ایران قدرت خلافت را در ایران زایل نمود و در سده های ۹ - ۱۰ منجر به تشکیل یک سلسله امارت های موروثی محلی گردید ، که فقط اسم تابع خلافت بودند : طاهریان (۸۲۱ - ۸۷۳) در خراسان ، صفاریان در سیستان (۸۶۱ - ۹۰۰) ، پس از آنهم در خراسان (۸۷۳ - ۹۰۰) ، ۱۴ سال ۹۰۰ خراسان جزو مملکت سامانیان (۸۲۱ - ۹۹۹) شد ، آل زیار (۹۲۸ - ۱۰۴۲) در گرگان ، آل بویه (۹۳۵ - ۱۰۵۵) در ایران غربی و بین‌النهرین . با تشکیل دولت آل بویه سلطه خلافت در ایران پایان یافت .

در دوران جامعه فئودالی رشد یافته و در دوران خرد و مجزا شدن فئودالی (سده های ۱۰ - ۱۵) ایران کرارا مورد تهاجم و تصرف بیگانگان واقع و جزو ممالک متصرفی فاتحین شده است : ترکان سلجوقی (سده های ۱۱ - ۱۲) ، مغولان (سده ۱۳) ، امیر تیمور (سده ۱۴) ، ترکمانان قره‌قویونلو و آق‌قویونلو (سده ۱۵) . در برخی ادوار این عصر فئودالی ، دولت های فئودالی محلی تشکیل میگردیده است . مثلاً در سده ۱۴ ، پس از تجزیه مملکت هلاکویان که مغولان تاسیس نموده بودند ، چند دولت در سرزمین ایران تشکیل یافت که بزرگترین آنها دولت های چوپانیان ، جلایریان و آل مظفر بوده است . با وجود این شرایط و اوضاع نامساعد و تصرفات خارجیان و منازعات داخلی و تجزیه فئودالی ، ملت های ایران و کشور های مجاور آن در آن عصر فئودالی با زحمت و نبوغ خلاقه خود در رشته کشاورزی و آبیاری و تولیدات پیشه‌وری و فرهنگ به موفقیت های بزرگ نایل گردیدند . مخصوصاً در سده ۱۰ و نیمه اول سده ۱۱ ، پس از برانداختن سلطه خلافت ، و همچنین در سده ۱۲ تا زمان تهاجم و تصرف مغولان ، از این حیث به پیشرفت های عظیم نایل شده بودند و در آن زمان ترقی بی مانند اقتصاد فئودالی ، توسعه و ترقی کشاورزی ، ساختن بنا های مخصوص آبیاری (مثلاً سد بزرگ بندامیر روی رود کر در فارس) ، ترقی تولیدات پیشه‌وری ، توسعه و ترقی شهر ها (نیشابور ، ری ، اصفهان ، شیراز و غیره) ، رونق و شکفتگی بیسابقه ادبیات منظوم (شاهنامه فردوسی و غیره) و علوم (ابن سینا - بیرونی

و دیگران) در کشور مشاهده میشد. هجوم مغولان (سده ۱۳) ، و همچنین غلبه امیر تیمور (سده ۱۴) ایران را دچار خرابی های عظیم نمود و عواقب نامطلوبی برای اقتصاد آن داشت. لیکن در همان دوران عصر فتودالی هم (سده های ۱۲ - ۱۵) نمایندگان ملل ایران و کشور های مجاور سهم عظیمی وارد فرهنگ و علوم و ادبیات منظوم نمودند (عمر خیام ریاضی دان و شاعر مشهور ، نصیرالدین طوسی ریاضی دان و منجم ، ابوالفضل بیهقی مورخ ، رشیدالدین ، جوینی ، حمدالله قرظینی ، و صاف ، حافظ ابرو ، عبدالرزاق سمرقندی ، میرخوند ، سعدی ، جلال الدین رومی ، حافظ ، جامی و شاعران دیگر). در همان دوره هم یادگار های معماری بسیار عالی از لحاظ هنری بوجود آمده است (مسجد - مقبره در سلطانیه ، مسجد کبود در تبریز ، مسجد گوهرشاد در مشهد و امثال آن) . هنرمینیاتور (مکتب هرات و بهزاد) قالی بافی ، کاشی سازی هنری بحد اعلا ی مهارت رسیده است .

در اوایل سده ۱۶ دولت متمرکز فتودالی صفویه تحت لوای تشیع بوجود آمد ، که در اواخر سده ۱۶ - اوایل سده ۱۷ ، در زمان شاه عباس اول به منتهی درجه قدرت و توانائی رسید .

در اوایل سده ۱۷ ، گذشته از سرزمین کنونی ایران ، در شمال غربی و مغرب آذربایجان و ارمنستان و گرجستان شرقی و همچنین عراق جزو مملکت صفویه بود . در مشرق هم صفویه قسمت جنوبی آسیای میانه را در جنوب رود جیحون و ایالت های هرات و قندهار را تابع و خراج گزار خود نمودند . در جنوب صفویه پرتغالی ها را از ساحل خلیج فارس و جزیره هرمز بیرون راندند و حکومت خود را بر جزیره مذکور و برخی جزایر دیگر در خلیج فارس مستقر نمودند . اصلاحات نظامی و سایر اصلاحاتی که شاه عباس اول عملی نمود منجر به تثبیت و تقویت حکومت مرکزی شد . در دوره رونق شکفتگی دولت صفویان (اوایل و اواسط سده ۱۷) ترقی مشهود کشاورزی ، همراه با ساختن راهها و مجاری ، توسعه و ترقی پیشه ها ، تجارت ، مخصوصا تجارت خارجی و تا حدی توسعه بازار داخلی مخصوصا در نواحی مرکزی و غربی و شمالی کشور مشاهده میشد . معماری (بخصوص در اصفهان) ، هنر مینیاتور سازی و خوشنویسی ، و همچنین تهیه قالی ها و پارچه های زیبای هنری بحد اعلا ی ترقی رسیده بود .

سیاست تمرکز امور کشور و متحد کردن تمام ایالات ایران تحت حکومت صوفیه موجب پدیدار شدن بعضی مقدمات برای تشکیل وحدت اقتصادی و فرهنگی کشور گردید . ولی با اینوصف تمایلات فتودالی در آن زمان بسیار شدید و قوی بود و دولت صفوین بمنزله اتحادیه نظامی - سیاسی بعضی ایالات بود ، که از لحاظ اقتصادی هنوز هم خیلی کم باهم بستگی و پیوند داشتند . در نواحی اطراف و اکناف کشور هم ملل غیر

ایرانی ساکن بودند .

از نیمه دوم سده ۱۷ ایران وارد دوره انحطاط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه فئودالی شده است . این امر در تشدید بهره‌کشی از دهقانان ، خراب شدن دهات ، تقلیل تولیدات جنسی و تجارت ، در حدت اختلافات و تضاد های اجتماعی ، شورش های دهقانان و شهرنشینان ، و همچنین قیام های ملل تابعه بر ضد صفویان ظاهر شده است . اختلافات و مبارزه برای کسب قدرت بین گروههای مختلف اشراف فئودال و روحانیون متنفذ شیعه هم حدت و شدت یافت . شورش طوایف غلزنائی و تهاجم آنان به ایران در سال ۱۷۲۲ بدولت صفویان و حکومت آنان پایان داد . سلطه کوتاه مدت آنان موجب جنبش وسیع ملی گردید . پس از بیرون راندن مهاجمان افغانی و قشون سلطان عثمانی که بایران هجوم آورده بودند ، در سال ۱۷۲۶ ، نادر افشار بعنوان شاه ایران تعیین گردید . مملکت عظیم فئودالی که نادر در نتیجه جنگها و اردو کشی های متعدد بقصد تصرف و کشورگشائی بوجود آورده بود ، و از مغرب به مشرق از بین النهرین تا رود هند ، و از شمال به جنوب از داغستان و بخارا و خوارزم تا خلیج فارس و منجمله جزایر بحرین گسترش یافته بود ، زیاد دوام نیافت . پس از قتل نادرشاه بوسیله خوانین توطئه گر در سال ۱۷۴۷ ، که با افزایش ناراضائی عمومی از جنگ های دائمی ، که کشور را به فقر سوق میداد ، و تعقیب و تنبیه های بیرحمانه نسبت به قشر های وسیع اهالی ارتباط و بستگی داشت ، مملکت وی تجزیه شد و پس از آن ، تا آخر سده ۱۸ ، منازعات داخلی فئودالی آغاز گردید ، باستثنای دوران حکومت کریمخان زند (سال های ۱۷۶۰ - ۱۷۷۹) که ایران از منازعات و دعوای بنیان کن فئودال ها تا حدی آسایش یافت . در اواخر سده ۱۸ ، پس از مبارزه طولانی بین جانشینان کریمخان زند و خوانین قاجار ، در ایران حکومت خاندان جدید - شاهان قاجار برقرار و تثبیت گردید و ایران وارد مرحله تازه تاریخ خود شد .

بنظر ما ، ادوار اساسی تاریخ مملکت ایران در عهد کن و در قرون وسطی بدین قرار است .

در خاتمه من میخواهم از طرف مورخان شوروی آرزوی کامیابی و موفقیت های بزرگ را برای همکاران ایرانی در نگارش تاریخ اساسی ایران که در نظر دارند ، ابلاغ نمایم . اگر ضرورت اقتضا کند ، ایران شناسان شوروی آماده اند بر اساس همکاری دوستانه همه نوع یاری و کمک در این امر مهم علمی به مورخان ایرانی بنمایند .